

روان شناسی اسلامی در قرآن

ربابه رضانی
دکترای ادبیات عرب

چکیده

از دیدگاه قرآن، انسان، ترکیبی است از روح و جسم، ماده و معنی و روح، پدیده‌ای است الهی و فناپذیر. انطباق قوانین مرفعی اسلام با فطرت الهی انسان، ایدئولوژی اسلامی را به عنوان مهم‌ترین شاخه علم روان‌شناسی معرفی می‌کند. انسان، معاصر با وجود پیشرفت‌های عظیم علمی و تکنولوژیکی، با مشکلات عدیده‌ای روبروست. بسیاری مشکلات روحی و روانی انسان را، مهم‌ترین دغدغه علم روان‌شناسی دانسته‌اند. دیدگاه مادی روان‌شناسی غرب، ناکارآمدی این شاخه از علم را در از میان بردن مشکلات روحی انسان، به اثبات رسانده است. اینک، آن چه بیش از پیش رخ می‌نماید، تمسک به قوانین مرفعی و پیشرفته اسلام و تفکر در ذات باری تعالی به عنوان تنها مرجع حل مشکلات روحی، روانی انسان می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: روان انسان، فطرت، نفس، روان‌شناسی اسلامی

مقدمه

روان‌شناسی به عنوان یک علم سازمان یافته به مفهوم کنونی و مصطلح، دارای سابقه‌ای طولانی نیست.^۱ ولی روان انسان از کهن‌ترین و پرسابقه‌ترین موضوعاتی است که از دیرباز مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته است. منظور از روان، مجموعه پدیده‌ها و حالات روانی و افکار و تداعی هاست

که در ظرف آگاهی‌های انسان، وجود دارد. ورود روان‌شناسی عمومی به جرگه علوم طبیعی، یک رویداد تازه است که در اواخر قرن نوزدهم و در اثنای قرن بیستم میلادی اتفاق افتاد. روان‌شناسی، آخرین شاخه علوم و دانش‌هایی است که طی قرن بیستم از شجره فلسفه جدا گشت و علی‌رغم پیشرفت‌های عظیمی که نصیب آن شده است، هنوز نمی‌توان ادعا کرد که به مراحل پایانی خودش رسیده است چون روان انسان، بی‌اندازه مرموز و پیچیده است.

بی‌تردید، می‌توان امام محمد غزالی را در میان جمع دانشمندان اسلامی اعم از فارابی و ابن‌سینا، بنیانگذار روان‌شناسی اسلامی در قرن پنجم به حساب آورد. وی برای نخستین بار به عنوان یک دانشمند روان‌شناس، پایه‌های روان‌شناسی اسلامی را طرح‌ریزی کرد. غزالی در کتاب احیاء علوم الدین، با رعایت اصول و مبانی روانی، کار خود را آغاز کرد. بحث و تحقیق غزالی در مراحل سه گانه محرک‌های روانی، پدیده‌های روانی و تعادل روان و رفتار انسانی در سایه نور ایمان و یقین و معرفت الهی، وی را در رده دانشمندان جدید روان‌شناسی و به خصوص در زمره روان‌شناسان قرن نوزدهم قرار می‌دهد. در واقع، غزالی طرحی نو و تازه در این باب درآفکند که او را بنیانگذار روان‌شناسی اسلامی، لقب داد. در عصر حاضر، تفکر اسلامی که اندیشه‌ای هدایت‌کننده و قابل انطباق با تمام شؤون حیاتی و همگام با فطرت معتدل و متوازن و هماهنگ با عقل پیشرفته و قلب سلیم می‌باشد، بهترین و تازه‌ترین روش برای شناسایی و درمان مشکلات روحی و روانی انسان قرن معاصر است. در این مقاله، سعی شده است تا به مفاهیم کلی هم چون روح و روان و فطرت آدمی، پرداخته شود و با استناد به آیات مبارکه قرآنی تنها راه حصول به آرامش روحی و روانی، تمسک به قرآن و مفاهیم عمیق آن معرفی گردد.

هر علم، دارای طریقه و روش ویژه‌ای در تحقیقات مربوط به خود است. چنان‌چه، درصد بالایی از ظهور طرح‌های نو و نوآوری‌های تازه به همان اسلوب و شیوه تحقیق، مربوط می‌شود. برای روشن شدن موضوع علم روان‌شناسی، ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که هدف از روان یا نفس انسان چیست؟ حکمای قدیم، روان انسان را لطیفه‌ای می‌دانستند که سوار جان شده، دانا و مدرک بوده و از عالم امر نازل شده و بشر از ادراک ماهیت آن عاجز است. افلاطون به بقای روح پس از مرگ معتقد بود و روح را مستقل از جسم می‌دانست.^۱

ارسطو در تعریف نفس می‌گوید: «نفس، جوهری است به معنی صورت، یعنی، ماهیت، جسمی است که دارای کیفیت معینی است. مثلاً، فرض می‌کنیم که آلتی مثل تبر، جسم طبیعی باشد. ماهیت تبر، جوهر آن و نفس آن خواهد بود زیرا که اگر جوهر، جدا از تبر بود، دیگر تبری جز به اشتراک

اسمی وجود نداشت.^۲

در واقع، ارسطو معتقد است: تیر بودن یا بریدن نسبت به تیر مانند نسبت نفس است به بدن. سقراط خود را آبی از دریای وحدت و الوهیت می‌دانست که در سبوی جسم قرار گرفته است و چون سبو بشکند، آب به دریا خواهد پیوست. ابوعلی سینا معتقد بود که خداوند، انسان را از ترکیب سه چیز «تن و جان و روان» آفریده است.^۳

کندی نیز در این باب، پیرو آرا فلاسفه یونان مانند افلاطون و ارسطوست. از نظر کندی، نفس، جاوید است و سعادت آن، در آن چه می‌بیند و می‌آموزد، پس از مفارقت از تن و ماده صورت می‌بندد. نفس، آن چه را که خدا می‌داند در می‌یابد. دانایی نفس به کمال نمی‌رسد مگر آن که از شهوت و غضب اعراض کند و پاک و پالوده شود.^۴

دکارت، عقیده داشت بین حیات نفسانی و جسمانی یا میان روان و تن، پیوند نزدیکی برقرار است و این دو متقابلاً در یک دیگر تاثیر می‌کنند. ماتریالیست‌ها می‌گویند تفکر یک کار بدنی است و حالات روانی، نتیجه کلی و حاصل زندگی بوده و مربوط به ماده است. «کانت» می‌گوید: «به خاطر مصالح اجتماعی و اصل اخلاقی، بقای روح را باید اضطراراً پذیرفت»^۵ فارابی در احصاء العلوم، روان‌شناسی را در ضمن علوم طبیعی می‌آورد که البته خالی از پیوند و ارتباط با علوم الهی نیست.^۶

تعریف غزالی از نفس همانند تعریف ارسطو و ابن سینا، البته با تفصیل و توضیح بیشتر است. وی در تقسیم نفس و تقسیم‌بندی و ترتیب آن متأثر از افلاطون و ارسطوست.^۷ «فروید» به عنوان مؤسس و رهبر مکتب تحلیل روانی معتقد بود آن چه درباره انسان گفته می‌شود باید از طریق علمی مورد بررسی قرار گیرد.

فروید، موضوع و روش روان‌شناسی را تغییر داد و در مورد روان‌شناسی به جای بحث درباره وراثت، تفکر و هوش به مطالعه و بررسی جریان‌های روانی مربوط به قسمت ناخودآگاه ذهن پرداخت.^۸

در نزد صوفیه، تعاریف فراوانی برای نفس یاد شده است. قشیری می‌گوید: «منظور از نفس از نظر صوفیه عبارت از وجود قالب و کالبد نیست. بلکه منظور از آن، عبارت از حالتی بیمارگونه و ابعاد نکوهیده اخلاق و اوصاف انسان است»^۹

نفس از نظر صوفیه، شر محض و کانون خوی‌های ناستوده و ناپسند و جایگاه نظر خلق است. در قرآن کریم و احادیث، کلمه نفس بسیار به کار رفته است ولی درباره آن تعریف مشخصی به

چشم نمی‌خورد. در قرآن کریم، نفس با قالب‌های مفرد و جمع^{۱۱} و به ضرورت اضافه به کار رفته است^{۱۲} و اغلب مفهوم آن به معنای موجود زنده آمده است، موجودی که عامل تولید نسل و دارای نیروی کسب و طلب و شادی و غضب است. او باید در انتظار نتیجه اعمال خوب و بدش باشد. البته مفاهیم دیگری از نفس در قرآن به معنای جوهر و حقیقت انسان و عین چیز و یا ذات الهی، آمده است:

آیات متعددی در قرآن هست که کلمه نفس در آن‌ها به مفهوم انسان به کار رفته است^{۱۳} و گاهی به مفهوم ذات الهی آمده است^{۱۴} و گاهی نمونه‌هایی از استعمال کلمه نفس به مفهوم ابعاد خاصی در درون انسان ارائه می‌کند^{۱۵}. و معانی و مفاهیم دیگری که در قرآن برای نفس آورده شده است. بنابراین، کلمه نفس در قرآن کریم، عموماً بر ذات، دلالت می‌کند و این دلالت، غالباً، توأم با اشاره به عنصر محرک‌ها و جنبش‌های حیاتی و کم‌تر بر مفهوم انسان به عنوان یک وجود مدرک و متفکر دلالت می‌کند. بنابراین، واژه نفس در قرآن، واژه عام و فراگیری است که بر تمام ابعاد وجود انسان، دلالت دارد و مفهوم آن محدود به ذات مدرک و متفکر نمی‌باشد.^{۱۶}

به طور کلی، عقاید و موارد ذکر شده را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱ - به نظر الهیون و ایده‌آلیست‌ها، روان، یک لطیفه معنوی و شعاعی از آفتاب روح است که سوار بر تن و جان شده و منشأ فیزیکی یا الهی دارد و با مرگ فانی نمی‌شود. آن چه با مرگ از میان می‌رود فقط تن و قسمتی از نفس حیوانی یا جان است.
- ۲ - به عقیده ماتریالیست‌ها، روح، محصول عالی ماده بوده و عبارت از آثار و واکنش‌ها و اوضاع بدن است.
- ۳ - از دید دانشمندان معاصر، مطالعه روح و جسم از هم جدا نیست و باید به موازات یک دیگر، مورد مطالعه قرار گیرند.^{۱۷}

متفکران اسلامی درباره اصل روح یا به عبارتی نفس و ریشه آن اختلاف نظر دارند چرا که قرآن کریم در این باره، نظریه مشخصی ارائه نکرده و نسبت به آن سکوت کرده است،^{۱۸} اما ادله حدوث نفس بسیار است^{۱۹} و در واقع، قرآن کریم جاودان بودن روح را تایید کرده اما درباره طبیعت و مختصات آن، چیزی به میان نیاورده است.

بنابراین، انسان در جهان بینی اسلامی، جایگاه عظیمی دارد. انسانی که در اسلام مطرح است موجودی است بسیار ژرف و عمیق و مرموز. روان انسان، جهان وسیعی است که شامل مادیات و

اقتصادیات و مشاعر و غریزه‌های جسمی و لطایف روحی می‌شود.

انسان، موجودی است مرکب از جسم و عقل و روح، بنابراین، مجموع جسم و عقل و روح و روان، انسان را تشکیل می‌دهد. قرآن کریم، عالی‌ترین مدح‌ها و ستایش‌ها و بزرگترین سرزنش‌ها و مذمت‌ها را متوجه انسان کرده است. از نظر قرآن، انسانی موجودی است که توانایی تسخیر یا به کار گرفتن تمامی زمین و آسمان را داراست^{۲۰} و می‌تواند به اعلیٰ علیین و یا اسفل السافلین برسد. در سرشت انسان علاوه بر عناصر مادی که در جماد و گیاه و حیوان وجود دارد، عنصری ملکوتی و الهی هست. در واقع، انسان ترکیبی از ماده و معناست^{۲۱} او تنها، به دنبال ماده و مادیات نیست بلکه به دنبال اهدافی عالی و آرمان‌هایی متعالی برای رضای آفریننده‌اش است.^{۲۲}

در قرآن، موارد بسیاری مبنی بر خودشناسی انسان، آمده است: «خودشناسی به این معنی است که انسان مقام واقعی خویش را در عالم وجود درک کند، بداند خاکی محض نیست، پرتوی از روح الهی در او هست، بداند که در معرفت می‌تواند بر فرشتگان پیشی بگیرد»^{۲۳}.

آن چه تاکنون آمد، مبنی بر روشن شدن مفهوم روح و روان و نفس، تا حدودی بر لزوم دستیابی به اعمال روان‌شناسانه انسان برای شناخت هرچه بیشتر رفتارهای بشری، صحه می‌گذارد. اکنون، بایستی قدری بر هدف روان‌شناسی اسلامی و ویژگی‌های آن، بپردازیم. روان‌شناسی به طور کلی دارای دو ویژگی عمده است: ۱ - معرفتی بودن ۲ - جامعیت^{۲۴}

در واقع هدف کلی از روان‌شناسی اسلامی در حدیث معروفی از پیامبر گرامی اسلام به خوبی آشکار است که می‌فرماید:^{۲۵} «من عرف نفسه فقد عرف ربه و یا در کلامی که از قول امیرالمؤمنین امام علی (ع) نقل شده، هدف اصلی از روان‌شناسی به خوبی و به وضوح آمده است. ایشان می‌فرماید: انفع المعارف معرفة النفس^{۲۶} این دو حدیث در واقع روشنگر هدف اصلی و کلی ما از روان‌شناسی است.

به عبارت دیگر ما در روان‌شناسی اسلامی به دنبال معرفت هستیم و براساس حدیث شریف، معرفت نفس در اسلام باید به گونه‌ای باشد که ما را به معرفت رب برساند. بنابراین، هدف غایی و نهایی روان‌شناسی اسلامی، معرفت خداوند است.

۱ - معرفتی بودن: در این نگرش، هرچه انسان را در این مسیر به کار نیاید به دور ریخته می‌شود و هر آن چه یاور او در طی مسیر باشد، با قدرت دنبال خواهد شد. حدیث مذکور به عنوان مطلع القصیده در میان روان‌شناسان اسلامی در تحقیقات و

مطالعاتشان به کار خواهد آمد. این ویژگی با الهام از حدیث رسول گرامی اسلام (ص) ویژگی معرفتی بودن روان‌شناسی نام خواهد گرفت.

۲ - جامعیت: روان‌شناسی در عصر حاضر، انسان را مشابه سایر پدیده‌های مادی جهان با روش علمی مورد مشاهده و مطالعه قرار می‌دهد.

این نوع مطالعه و تحقیق از جنبه‌های غیرمادی انسان، غافل بلکه عاجز مانده است. انسان، موجودی است دو بعدی که در وجود و طبیعت به ماورا طبیعت، فیزیک و متافیزیک و جسم به جان مرتبط می‌شود. به عبارتی دیگر در انسان، فیزیک به متافیزیک منتهی می‌شود. در روان‌شناسی کلاسیک، ناچار محدوده این علم بسیار محدود و روانشناس محدودنگر به صورت تک بعدی به مطالعه انسان می‌پردازد. لیکن از آن جا که اسلام که معتقد به دو بعدی بودن انسان است لذا در روان‌شناسی اسلامی این دو بعد، کاملاً در نظر گرفته می‌شود.^{۲۷}

انسان در راستای حصول معرفت خویش، ناگزیر باید به تفکر در خلقت خود بپردازد. خلقت انسان در اسلام و یا در کتب ابراهیمی که قرآن مکمل آن است، چگونه توجیه می‌شود؟ در قرآن از بررسی کیفیت خلقت آدم که سمبل انسان است، می‌توان فهمید که انسان در نظر خدا و در نظر ادیان و دین اسلام چگونه است. داستان خلقت آدم در قرآن به زبان سمبلیک بیان شده که امروزه پس از گذشت ۱۴ قرن و بعد از پیشرفت علوم انسانی و طبیعی هم چنان نو و تازه باقی مانده است. در دیدگاه اسلام، خلقت انسان عبارتست از این که، خداوند، خطاب به فرشتگان اعلام می‌کند که می‌خواهم جانشین برای خودم در زمین خلق کنم.

در واقع، رسالت انسان از نظر اسلام با اولین خطاب خداوند روشن می‌شود. یعنی، رسالتی که خداوند در کائنات دارد انسان در روی زمین باید به نمایندگی خدا انجام دهد. فرشتگان، فریاد بر می‌آورند که باز می‌خواهی در روی زمین کسی را بیافرینی که به خون‌ریزی و انتقام و جنایت و کینه بپردازد؟^{۲۸} خداوند می‌فرماید من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.

در قرآن، سه جا آمده که انسان از چه آفریده شده است. انسان از گل خشک^{۲۹} و لجن بدبو، آفریده شده است.^{۳۰} پس انسان از گل یا لجن با دمیده شدن روح خداوند در او آفریده شده است.

این انسان که نماینده خداوند است از لجن و یا گل رسوبی آفریده شده و از عالی‌ترین و متعالی‌ترین و مقدس‌ترین موجود، روح خداوند در آن دمیده شد. انسان دو بعدی پدید آمد. یک بعدش، میل به لجن و پستی دارد. سرشت و خمیرمایه‌اش، تمایل به رسوب شدن، ماندن و توقف کردن دارد و از طرف بعد دیگرش یعنی روح الهی، میل به تعالی دارد. پس، انسان از دو متناقض

آفریده شده: لجن و روح خدا، عظمت انسان به این است که دو بعد او فاصله‌اش از گل تا روح خداست بنابراین، اراده او قدرت تعقل اوست که می‌تواند تصمیم بگیرد. به سوی قطب لجنی و رسوبی خود برود و یا قطب صعودی و خدایی و روح خدایی و این کوشش و جنگ، همواره در درون انسان هست تا یکی از دو قطب را برای سرنوشت خود انتخاب کند.^{۳۱}

بدین ترتیب، قدمت روان‌شناسی الهی با تاریخ خلقت انسان بر روی زمین آغاز می‌شود. تمامی قوانین و اصول بدون اسلامی براساس نیازهای انسان، شکل گرفته است. این اصول و قوانین همگی عقلانی و فطری هستند و به عنوان کلیدهای اصلی حل مشکلات انسان در دسترس او قرار دارند. به عبارتی دیگر، تمامی قوانین و آموزش‌های اسلامی را می‌توان به عنوان گرانهاترین و دقیق‌ترین قوانین و آموزش‌های روان‌شناسی انسان، پذیرفت. در حقیقت، قرآن کریم، بالاترین مرجع^{۳۲} حل مشکلات بشر امروزی است.

قرآن کریم در سوره مبارکه روم، دین را امری فطری معرفی کرده و انسان را صاحب فطرتی می‌داند که دین نیز براساس آن فطرت، بنا نهاده شده است، یعنی دین، بیان‌کننده طبیعی‌ترین قوانین وجود بشری است.

اوامر و نواهی دین اسلام، دقیقاً منطبق بر مسیر شکوفایی فطرت بشری است. همگی این‌ها، دستوراتی است که در آن ویژگی‌های روانی خاصی نهفته است.

باید دانست که بحث نظری پیرامون فطرت و حدود و ثغور آن، انسان را به شناخت صحیح فطرت نمی‌رساند. خداوند متعال برای رفع این نقیصه، الگوهای مجسم و عینی برای انسان قرار داده تا او بتواند مفهوم فطری بودن را متجلی ببیند. خداوند در این زمینه می‌فرماید: لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة^{۳۳} انسان اسلام، رسول خداست و اسلام نیز دین فطرت و فطرت انسان نیز خواسته‌ها و نیازهای نیمه خدایی اوست به نیمه لجنی و متعفن که او را، از نیمه خدایی جدا می‌کند. فطرت پاک بشری در وجود پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) متجلی است. بنابراین، تنها مقیاس تشخیص جنبه‌های روانی و فطرت پاک انسان از نظر روان‌شناسی اسلامی، وجود پاک و مطهر رسول گرامی و خانواده معصوم اوست.

بر همین اساس، روان‌شناسی اسلامی، بررسی سیر تحول و تکامل انسان از بدو خلقت او را تا زمان مرگ فرا می‌گیرد. حتی اگر بخواهیم فراتر رویم روان‌شناسی اسلامی قبل از تولد انسان را نیز فرا می‌گیرد.

حقیقت مطلب آن است که روان‌شناسی غربی با وجود پیشرفت‌های بسیار و با وجود داشتن مکتب

تجربی مختلف و تعریف‌های گوناگونی که برای «شخصیت انسان» آورده است هنوز تعریفی جامع و مانع درباره شخصیت انسان» ارائه نکرده است. نتایجی که این روان‌شناسی بدان رسیده است عبارتست از اینکه چرا معدل بهبودی بیماران روانی در طول سالیان متمادی با پیشرفت‌های چشمگیری که در این شاخه از علم به دست آمده، ثابت و یکنواخت مانده است.^{۳۴}

تفاوت شخصیت هر انسان نسبت به دیگری، امری بدیهی و روشن است که همین امر، باعث شده، تاکنون بیش از ده‌ها تعریف در این باره ارائه شود که هیچ‌یک نتوانسته بیانگر شخصیت واقعی انسان باشد. این مشکل از آن جا، ناشی می‌شود که روان‌شناسان غربی به رسالت و معارف الهی در زمینه شناخت نفس و درمان آن، توجهی نکرده و فقط به تطبیق معیارها و روش‌های مادی و عقلی پرداخته‌اند.

از سوی دیگر، بحث‌های روان‌شناسی دقیق و علمی که از آیات مبارکه قرآنی، استنباط شده، همه دال بر این قضیه است که انسان، موجودی است آفریده خداوند، دارای دو نیمه پست و خدایی، لجن عفن و گندیده و بدبویی که خداوند از روح لطیف و مقدسش بر آن دمیده و او را انسان ساخته است. بنابراین، انسان، جمع دو ضد است. نیمه‌ای الهی و نیمه‌ای خاکی و هر آن کس که در جهت نیمه الهی گام بردارد طبیعتاً نتیجه‌ای الهی در بر خواهد داشت. این جاست که اهتمام انسان به خودشناسی، زمینه‌ای برای خداشناسی انسان فراهم می‌کند. منظور از مطالعه و بررسی نفس، صرفاً معرفت آن و یا وصول از طریق معرفت آن به معرفت خدا نیست، بلکه هدف اساسی، اصلاح رفتار و تعدیل اخلاق است:

«اعرفکم بنفسه اعرفکم بربه» آن که از معرفتی افزون‌تر نسبت به خویشتن برخوردار است، دارای معرفتی بیشتر نسبت به پروردگار خود می‌باشد و این، همان است که مبنای روان‌شناسی اسلامی، نام گرفته است. پس مایه‌های اصلی روان‌شناسی اسلامی برگرفته از قرآن کریم و احادیث است. روان‌شناسی اسلامی، آیات خداوندی را در فهم سلوک و منش رفتار انسان، روشنگر راه خویش می‌یابد و مشکلات و مبهمات روان انسان را به مدد شریعت الهی از سر راه برمی‌دارد و بر حالات و صفات پسندیده و نکوهیده رفتار انسانی آگاهی یافته و با علم الهی به مدد دستورات قرآن کریم در صدد حل مشکلات و ایجاد خط مشی دقیق متعالی در جهت صعود و کمال انسان گام بر می‌دارد.

بدین‌سان، انگشت اشاره روان‌شناسی اسلامی به سوی حقیقت انسان و رفتار اوست، فطرت و طبیعت و روان او را به وصف کشیده و جوانب و ابعاد مختلف نفس را مورد توجه قرار می‌دهد.

در واقع، این روان‌شناسی نوین یا خمیرمایه اسلامی، ما را از بسیاری از کتب جدید روان‌شناسی بی‌نیاز می‌کند.

آن چه اخیراً می‌توان گفت این که میان توحید الهی و روان انسان رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. چنین به نظر می‌رسد در جهان کنونی، تلقین مبانی اخلاقی و غرس ارزش‌های انسانی باید عملاً مورد توجه قرار گیرد، آن چه که در روان‌شناسی غربی بدان توجه نشده و به معیارها و روش‌هایی مادی پرداخته شده است. فرهنگ و آزادی و پیشرفت مدل جهان وقتی سامان می‌یابد که اخلاق انسانی و ارزش‌های متعالی اخلاقی الهی بر آنها حاکم شود.

روان‌شناسی اسلامی در صدد تجویز نسخه‌های موسمی و مقطعی برای بیماری‌های روانی نیست بلکه هدف آن، رسوخ در روان پیچیده و مرموز آدمی و هدایت او به سوی فطرت طبیعی است. در واقع، روش ایده‌آل و مطلوب در عصر حاضر ذکر و یاد خدا و تفکر درباره خداوند است؛^{۳۵} آن چه که در روان‌شناسی جدید غربی، اساس روان‌درمانی قرار نگرفته و چیزی که تنها راه حل درمان‌های روانی در عصر حاضر از سوی صاحب نظران علم روان‌شناسی اسلامی معرفی گردیده است.

در وانفسای عصر حاضر، انطباق قوانین اسلام با تمام شئون حیاتی انسان و همگام بودن آنها با فطرت الهی انسانی و هماهنگی آن با عقل پیشرفته آدمی، قدرت و توانایی و آمادگی آن را برای رویارویی با مشکلات فزاینده کنونی انسان در جهان علم و تکنولوژی بیش از هر زمان، اثبات می‌کند و ما را او می‌درد تا بیش از هر زمان به تفکر در این باره بپردازیم.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - دانشمند آلمانی «ویلهلم وونت» در سال ۱۸۷۹ م روان‌شناسی را به عنوان رشته مستقلی از علوم تأسیس کرد. (مقدمه روان‌شناسی، دکتر علی شریعت‌مداری، انتشارات مشعل، اصفهان، ص ۲۶)
- ۲ - راز درون، دکتر علی مقدم، انتشارات ققنوس، ص ۴۳
- ۳ - ترجمه و تحشیه روان نفس ارسطو، انتشارات حکمت، ص ۸۰
- ۴ - راز درون، ص ۴۴، ۴۳
- ۵ - کندی، فیلسوف بزرگ جهان اسلامی، یوحنا قمیر، ترجمه محمدصادق سجادی، انتشارات فلسفه، ص ۲۵.
- ۶ - راز درون، ص ۴۵ - ۴۴.

- ۷ - احصاء العلوم، فارابی، ترجمه حسین خدیوچم، انتشارات علمی و فرهنگی، صص ۹۷ - ۹۵.
- ۸ - راز درون، ص ۶۱.
- ۹ - مقدمه روان‌شناسی، ص ۳۰.
- ۱۰ - الرسالة القشيرية، عبدالکریم بن هوازن القشیری، انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۲۲۶.
- ۱۱ - البقره: ۴۸، البقره: ۲۳۳، آل عمران: ۱۴۵، الطلاق: ۷، المنافقون: ۱۱، الکهف: ۷۴، ۱۱ - النجم: ۲۳، الزخرف: ۷۱، الزمر: ۴۲، النحل: ۷.
- ۱۲ - البقره: ۲۸۱، آل عمران: ۲۵، البقره: ۴۴، آل عمران: ۶۱، النساء: ۶۵.
- ۱۳ - البقره: ۲۳۳ - ۱۲۳ - ۴۸، التحريم: ۶، الزخرف: ۷۱.
- ۱۴ - آل عمران: ۳۰، طه: ۴۱، المائدة: ۱۱۶، الانعام: ۱۲.
- ۱۵ - القيامة: ۲، الفجر: ۲۷، النازعات: ۴۰.
- ۱۶ - روان‌شناسی از دیدگاه غزالی، عبدالکریم عثمان، ترجمه دکتر سیدمحمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۹۳.
- ۱۷ - راز درون، ص ۴۶.
- ۱۸ - الاسراء: ۸۵.
- ۱۹ - الزمر: ۶۲، الصفات: ۹۶، الاعراف: ۱۱.
- ۲۰ - الجاثية: ۱۱ و ۱۰.
- ۲۱ - السجده: ۹ و ۷.
- ۲۲ - الفجر: ۲۸.
- ۲۳ - انسان در قرآن، شهید مطهری، انتشارات صدرا، ص ۲۹.
- ۲۴ - فطرت بیان روان‌شناسی اسلامی، علی اصغر احمدی، انتشارات امیرکبیر، ص ۱۳۷.
- ۲۵ - الله شناسی، سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، انتشارات علامه طباطبائی، مشهد مقدس ص ۵۵.
- ۲۶ - روان‌شناسی از دیدگاه غزالی، ص ۳۸.
- ۲۷ - فطرت، بنیان روانشناس اسلامی، صص ۱۳۸-۱۳۷.
- ۲۸ - البقره: ۳۰.
- ۲۹ - الرحمن، ۵۴.
- ۳۰ - الحجر: ۱۵، آل عمران: ۵۳.
- ۳۱ - انسان، مجموعه آثار، دکتر علی شریعتی، انتشارات الهام صص ۸-۴.
- ۳۲ - الروم: ۳۰.
- ۳۳ - الاحزاب: ۲۱.
- ۳۴ - گامی فراسوی روان‌شناسی اسلامی، دکتر سیدمحمدباقر حجتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، صص ۵۱-۴۷.
- ۳۵ - الا بذكر الله تطمئن القلوب. الرعد: ۲۸.